هو الله - ای يادگار آن نفس بزرگوار آنچه از قلم رقم يافته بود ملاحظه گرديد.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٢٠٤

### هو الله

ای يادگار آن نفس بزرگوار آنچه از قلم رقم يافته بود ملاحظه گرديد. خبر پرمسرّت صحّت و سلامت احبّای الهی بود، نهايت فرح و سرور رخ نمود. از فضل جمال قدم سائل و آمليم که در کلّ احيان در ظلّ شجره ميثاق به عبوديّت آستان جمال قدم قائم و از جميع حوادث محفوظ و مصون باشيد. اليوم اعظم امور استقامت بر امر اللّه است زيرا ارياح مفتريات شمع انجمن روحانی را احاطه نموده است و کلّ به جميع قوّت از جميع امم به مقاومت امر اللّه قيام نموده‌اند. بايد احبّای الهی در کمال استقامت مبعوث شوند تا بتوانند مصادمه و مقاومت جميع امم نمايند و علی‌الخصوص ياران آشنا از بيگانگان صد درجه بيشتر بر اطفای سراج قيام کرده‌اند و هر روز سهم جديدی بر سينه عبدالبهآء زنند و ظلم و افترای تازه‌ای روا دارند و فرياد و فغان واويلا بلند کنند. اخوان يوسف چون يوسف را در چه انداختند و به ثمن بخس دراهم معدوده فروختند شبانگاه چون نزد پدر آمدند گريه و ناله و ندبه آغاز نمودند. اينست که می‌فرمايد و جاءوا اباهم عشاء يبکون. باری نمی‌دانی که عبدالبهآء از دست اينها در چه آتشی افتاده. ابداً رحم نمی‌نمايند و از همه عجيب‌تر اينکه فرياد و ناله نيز می‌نمايند. باری اين عبد متوکّلاً علی اللّه به خدمت آستان مقدّس مشغول و همه اين تيرها را سينه هدف نموده و از حقّ آرزوی صعود به عالم ديگر می‌نمايد.

جناب اخوی آقا ميرزا جمال را تکبير ابدع ابهی ابلاغ نمائيد و همچنين جناب حاجی علی مندلاوی را و عذر مکتوب عليحدّه بخواهيد زيرا به جان عزيز ياران قسم که ابداً فرصت نفس ندارم و البهاء عليکم اجمعين. ع ع